

## یادداشت

## حمله به کنسولگری آخرین حمله نیست



محمد مهدی مظاهری

استاد دانشگاه

سیر تحولات بین المللی نیز پایان سریع تر جنگ را گزیده ای منطقی نشان می دهد؛ چرا که تظاهرات گسترده مردمی در کشورهای مختلف غربی و اسلامی نیز و قطعنامه مجمع عمومی، رای موقت دیوان بین المللی دادگستری لاهه و نیز قطعنامه اخیر شورای امنیت که دیگر با وتوی آمریکا نیز مواجه نشد، همگی شواهدی هستند که ثابت می کنند اسرائیل دیگر از حمایت جهانی فراگیر برخوردار نیست و هزینه های ادامه جنگ برای آن روز به روز بیشتر می شود. تظاهرات مخالفان نتانیاهو در داخل سرزمین های اشغالی نیز عرصه را بر دولت راستگرای این رژیم تنگ تر کرده است؛ با این وجود نه تنها نشانه هایی از موافقت مقامات رژیم صهیونیستی با پایان جنگ دیده نمی شود، بلکه شاهد توسعه میدان جنگ توسط این رژیم نیز هستیم؛ حمله های مکرر به مستشاران نظامی ایران در سوریه و در آخرین اقدام حمله به کنسولگری ایران در این کشور شواهدی بر این مدعاست، اما هدف نتانیاهو از این اقدامات چیست؟ مقامات این رژیم خواهان ترسیم چه آینده ای برای نقشه سیاسی منطقه غرب آسیا هستند و راهبرد آنها برای تحقق این چشم انداز چیست؟ نکته نخست این است که رژیم اسرائیل پیش از آغاز جنگ غزه، به واسطه حمایت های آمریکا و موافقت بر عقد پیمان ابراهیم با برخی کشورهای عرب و مسلمان، تصور می کرد موفق شده آرمان فلسطین را به حاشیه براند و به قدرت برتر منطقه تبدیل شود. در نقشه ای که نتانیاهو در زمان سخنرانی خود در نشست سازمان ملل (سپتامبر ۲۰۲۳) و در فاصله کمتر از یک ماه از حمله به غزه) در دست گرفت و به عنوان «نقشه خاورمیانه جدید» از آن نام برد، اثری از کشور فلسطین طبق قطعنامه های سازمان ملل دیده نمی شد و کشورهایی که به عادی سازی رابطه با اسرائیل پرداخته بودند و یا در شرف عادی سازی بودند را با رنگ سبز متمایز کرده بود که شامل مصر، عربستان سعودی، بحرین، سودان، اردن و امارات می شد. از این رو مقامات این رژیم بعد از حمله ۷ اکتبر شرایط را اغنیمت شمردند تا وارد یک مبارزه تمام عیار با حماس و سایر نیروهای مبارز در غزه شوند و به زعم خود با شکست و نابودی آنها نیز خلاصی را بر جریان مقاومت و مطالبات ارضی و سرزمینی مردم فلسطین بزند و بعد از پیروزی، بقیه کشورهای اسلامی متنفذ رانیز به پیوستن به پیمان ابراهیم متقاعد کنند. با این حال، پس از گذشت ۶ ماه از جنگ پر هزینه در غزه، این راهبرد رژیم اسرائیل با موفقیت همراه نشد و حتی و چجه و دروغینی که این رژیم سال ها با کمک غول های رسانه ای برای خود ساخته بود را نیز بر باد داد؛ اسرائیل به نسل کشی و جنایات جنگی متهم شد و حمایت بی چون و چرای آمریکا از این رژیم نیز با وجود تدابیر، رنگ و بوی انتقادی به خود گرفته است. بر این اساس با شکست راهبرد نخست، اهداف مقامات صهیونیستی در حوزه جنگ سخت ناکام مانده و در عرصه روانشناختی و جنگ نرم نیز این رژیم متحمل زیان های بسیار گردیده، از این رو آنها برای جبران این شکست، به دنبال راهبردهای جایگزین هستند. یکی از این راهبردها درگیر کردن کشورهای دیگر به ویژه جمهوری اسلامی ایران در جنگ است؛ این راهبرد از حمله به مستشاران نظامی ایران که به صورت قانونی و با موافقت دولت سوریه در این کشور هستند، آغاز شد و پس از خوشبختاری جمهوری اسلامی ایران در ورود به جنگ مستقیم با این رژیم و افزایش تنش ها در منطقه، به مرحله حمله به کنسولگری ایران در سوریه رسید تا هزینه خوشبختاری و صبر راهبردی ایران را افزایش دهد. در واقع، تحریک کشورمان برای ورود مستقیم به جنگ فراگیر با اسرائیل از این نظر برای مقامات این رژیم جذاب است که می تواند فشارها را از روی اسرائیل بردارد و به دلیل رویکرد خصمانه مشترک آمریکا و کشورهای عرب منطقه نسبت به ایران، بار دیگر ائتلافی جدید در منطقه شکل بدهد و ایران هراسی را جایگزین حمله و انتقاد از اسرائیل کند. در راستای اجرای این راهبرد حمله به کنسولگری، آخرین حمله اسرائیل به مواضع ایران نخواهد بود و تا کشاندن ایران به درگیری های مستقیم منطقه ای ادامه خواهد یافت. استراتژی دیگر نتانیاهو برای فرار از شکست در غزه و پایان بی دستاورد این جنگ، طولانی و فرسایشی کردن جنگ تا زمان انتخابات آمریکا است، با این امید که دولت بایدن در این انتخابات صحنه را به ترامپ واگذارد و با بازگشت این جمهوری خواه، ورق جنگ و توافقات صلح احتمالی به نفع اسرائیل برگردد. در این راستا به نظر می رسد دولت بایدن با دادن رأی ممتنع به قطعنامه شورای امنیت در مورد آتش بس در غزه، نارضایتی خود از اهداف و برنامه های نتانیاهو را به برخی تلاش ها برای حذف وی از عرصه قدرت در اسرائیل را آغاز کرده است. در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز باید با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت به حملات رژیم اسرائیل پاسخ متناهی و درخور بدهد تا ضمن ایجاد بازآرندگی و حفظ امنیت و اعتبار ایران و ایرانی، جلوی تحقق اهداف این رژیم برای تغییر زمین بازی و انتقال فشارها به کشورمان را نیز بگیرد.

## زهرا نژاد بهرام در گفت و گو با «آرمان ملی»:

## زاکانی به دنبال برندسازی سیاسی است

## بدترین گزینه شورای شهر

## در مقابل زاکانی سکوت است

## شهر تهران با کمبود فضای سبز مواجه شده است



آرمان ملی - احسان انصاری: بوستان قیطریه در گذشته باغی متعلق به خواهر تنی ناصرالدین شاه قاجار بوده و به روایت تاریخ میرزا تقی خان امیرکبیر ساختمانی که اکنون محل فرهنگسرا و کتابخانه پارک است و در ضلع شمال غربی پارک واقع شده است را در آن احداث کرد. در ابتدا این باغ بافتی جنگلی داشته است. در سال ۱۳۵۶ به همت شهردار وقت تهران غلامرضا نیک بی که خود نوه دختری شاهزاده ظل السلطان، فرزند ناصرالدین شاه بوده است، با وقف قسمتی از زمین های موروثی خود و با خرید و جمعیت باقی مانده باغ که در دست ورثه صدیق الدوله، از نواده های قاجار و داماد میرزا علی اصغر اتابک بود که به میرزا علی اصغر خوان آبدار هم معروف بود، باغ بزرگ قیطریه را به پارک تبدیل می کند. به همین دلیل است که پارک قیطریه هندسه نامنظم دارد و مساحتی در حدود ۱۰۳،۰۰۰ متر مربع دارد که فضای گل کاری و چمن کاری آن در کنار انبوه درختان قدیمی جلوه خاصی به آن داده است. در سال ۱۳۵۶ بخش هایی از باغ قیطریه توسط وارثان آن در اختیار شهرداری تهران قرار داده شد تا به پارک تبدیل شود. در سال ۱۳۷۲ نیز بقیه محدوده این باغ به بوستان قیطریه اضافه و ساختمان آن بعد از مرمت و تغییر کاربری به فرهنگسرای ملل تبدیل شد. در هفته های اخیر خبرهایی مبنی بر قصد شهرداری تهران برای ساخت یک مسجد در پارک قیطریه مطرح شد. این خبر با جنجال رسانه ای مواجه شد و مخالفانی داشت. برخی ساخت مسجد در این بنا را به خاطر داشتن مسجدهای متعدد در منطقه، غیر کارشناسی می دانند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این موضوع با دکتر زهرا نژاد بهرام، عضو سابق شورای شهر تهران گفت و گو کرده که در ادامه می خوانید.

دیدگاه شما درباره اقداماتی که شهرداری تهران در پارک قیطریه انجام داده است چیست؟ شهرداری با چنین اقداماتی چه اهدافی را دنبال می کند؟

اقدامات اخیر شهرداری تهران در اداره و مواجهه با فضای سبز، از نادیده انگاشتن لایحه خانه باغ و مصوبه شورای عالی شهرسازی گرفته تا حذف درختان از حاشیه خیابان ها و ایجاد ساخت و سازهایی تحت عناوین مسائل فرهنگی و تجاری در پارک ها و حذف درختان این بوستان ها قابل تأمل است. به نظر می رسد مدیریت شهری که وظیفه اش حفظ و نگهداری و توسعه فضای سبز شهری است اکنون در پی قطع درختان پارک قیطریه است تا بتواند سازه ای تحت عنوان مسجد در مکانی که عناصر مذهبی و فرهنگی در آن فاصله کوتاهی دارد، بسازد. جالب تر اینکه با صراحت بر ساخت مسجد در بوستان اصرار داشته و این مهم را به عنوان دستور کار مدیریت شهری دانسته است در حالی که مدیریت شهری هنوز در بند ترافیک و آلودگی هوادست و پامی زند و هیچ یک از تعهدات خود را پاسخ نگفته است. به نظر می رسد مدیریت شهری و شورای شهر به دنبال مقاصد دیگری در شهر است که نه تنها مسائل اقتصادی و بی توجهی به درختان برای آنها در اولویت نیست بلکه شاید به دنبال آن است که با ایجاد یک سازه، شهر را به نام خود برند.

چرا مدیریت شهری تلاش می کند شهر را به نام خود برزند؟

همان گونه که احمدی نژاد با ساخت آبخوری ها که اکنون آثار آن در همه جای شهر قابل مشاهده است و در برخی مکان ها غیر قابل استفاده است، به نظر می رسد شهرداری تهران در دوران زاکانی نیز به دنبال برندسازی، مسجدسازی را در پارک ها برای خود هدف گذاری کرده تا با اتکا به اینگونه برندها برای انتخابات سال آینده به میدان رقابت وارد شود. در واقع سوای ریاست جمهوری زاکانی که پیش از این نیز به چشم آمده بود اکنون با در دست گرفتن مدیریت شهری به بستری برای ایجاد طرح های هزینه بر برای شهر مبدل شده است. ساخت مسجد در بوستان پرواز در منطقه ۲ که دو مسجد در جنوب و شمال آن است و حصارکشی در پارک قیطریه به بهانه ساخت مسجد و بی توجهی به بافت میراثی و سبز این پارک که درختانی با قطر ۳ متر هم با خود همراهی می کند در کنار حصارکشی در بخشی از بوستان باغ فردوس و... جملگی طرح هایی برای حذف درختان این شهر است.

وزارت گردشگری عنوان کرده شهرداری تهران بدون

دوشنبه  
۱۴۰۳/۰۱/۲۰  
۲۸ رمضان ۱۴۴۵ هـ / آوریل ۲۰۲۴

سال پنجم  
شماره ۱۸۰۱  
armanmeli.ir

به نظر می رسد شهرداری تهران در دوران زاکانی نیز به دنبال برندسازی، مسجدسازی را در پارک ها برای خود هدف گذاری کرده تا با اتکا به اینگونه برندها برای انتخابات سال آینده به میدان رقابت وارد شود. در واقع سوای ریاست جمهوری زاکانی که پیش از این نیز به چشم آمده بود اکنون با در دست گرفتن مدیریت شهری به بستری برای ایجاد طرح های هزینه بر برای شهر مبدل شده است

این بوستان بافتی جنگلی دارد و با درختان درهم تنیده و سر به فلک کشیده، به بکرترین پارک شمالی تهران تبدیل شده است. وجود این فضای سبز برای منطقه قیطریه که از تراکم جمعیتی زیادی برخوردار است همچون نگینی سبز بر تارک این محله است و ایجاد هر نوع اختلال از میان بردن فضای موجود خسارتی جبران ناپذیر را به شهر وارد می کند. شهری که باید الگویی شهرهای کشور بوده و نقش ممتازی در منطقه و جهان ایفا کند. فضای سبز موجود در تهران امروزه یکی از بهترین ظرفیت های گردشگری در شهر به خصوص برای خانواده های کم درآمد است که می توانند از این ظرفیت برای تفریح و گذران اوقات فراغت بهره ببرند. کم توجهی مدیریت شهری و در نظر نگرفتن نیاز این شهر بزرگ که در ۱۲ میلیون نفر را طی روز در خود جای می دهد، در حفظ و ارتقای فضای سبز به خصوص درختان با ارزش آن امری نیست که بتوان با سکوت از آن عبور کرد. پیش از این نیز مدیریت شهری با بی توجهی نسبت به ظرفیت فضای سبز شهری اجازه حذف درختان با قدمت در یادگان صفر شش در منطقه پاسداران را داده است و ظاهراً درصدد نادیده گرفتن مصوبه خانه باغ و بازگشت به مصوبه برج باغ منسوخ شده است.

به جز مورد پارک قیطریه که رسانه ای شد آیا شهرداری اقدام مشابه دیگری نیز در راستای تغییر کاربری فضای سبز داشته است؟

واقعیت این است که این موارد نگرانی برای حصارکشی در پارک قیطریه را برای شهر بیشتر می کند که این اتفاق در میان چشم شهروندان بدون هیچ توضیحی رخ داده و ظاهراً منجر به حذف درختان خواهد شد. فراموش نکنیم که مسئولیت مدیریت شهری به ویژه شورای شهر در نظارت بر اقدامات مدیریت شهری امری فصلی و موردی نیست بلکه حضور در هر نقطه شهر و پاسخگویی نسبت به اتفاقات متفاوت از اصلی ترین وظایف آنهاست. در این میان جادارد که مدیریت شهری با عنایت به اجرای طرح «من شهردارم» که نسخه ای از طرح «آرزوهای تهران» در دوره قبل مدیریت شهری است پاسخ دهد آیا اجرای پروژه در پارک قیطریه بر مبنای این درخواست بوده است. مگر نه آنکه قرار بود مردم طرح ها و پروژه های شهری را درخواست کنند و بر اساس آن طرح قرار بود بر مبنای نظرات مردم طرح ها به اجرا آید. به نظر نمی رسد اهالی محله قیطریه نسبت به از بین بردن درختان پارک منطقه چنین درخواستی را داشته باشند. ظاهراً این تصمیم متمرکز مدیریت شهری بوده که بدون توجه به خواست اهالی محل به دلایل نامعلوم و غیر قابل دفاع در حال صورت گرفتن است. آن هم در فصل بهار که فصل شکوفایش و باردهی آنهاست. خواست ما حذف حصارهای ایجاد شده و حراست از درختان این پارک است و ضرورت دارد کنشگران شهری و مردم محل نسبت به این اقدام درخواست جدی خود را بیان دارند. شورای شهر نیز در حمایت از خواست مردم و علاقه مندان به حفظ فضای سبز موجود در شهر و حراست از درختان آن، آنها را همراهی کند.

## ذره بین

مهدی مطهرنیا:

## سناریوی مار بوآ با مرکزیت اسرائیل پیاده سازی می شود

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص استراتژی و برنامه پشت پرده حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق اظهار داشت: حمله به کنسولگری ایران در دمشق رایباید در چارچوب تقابلی با تهران در یک دهه گذشته مورد بررسی قرار داد. آمریکایی هادر دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، تلاش کردند تا با امتیازدهی به تهران و نامه نگاری مستقیم با تصمیم گیرنده نهایی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی یعنی رهبری موجب شوند تا رهبری نظام جمهوری اسلامی مسائل موجود را با نظم بین المللی آینده و مرکزیت نظام بین الملل یعنی آمریکا در برجام حل و فصل کند. اما ایران با یک نگاه به برجام آن را در پرونده هسته ای و درخواست های موسع بسیار گسترده در راستای برداشتن همه تحریم ها، توافق برجام را محدود کرد. مهدی مطهرنیا گفت: از این رو آمریکایی ها به دکترینی روی آوردند که من در سال ۲۰۱۵ آن را دکترین «محدودسازی همکاری بین المللی با ایران و محاصره منطقه ای تهران» گذاشتم. در همان زمان با وجود اینکه برجام امضا شده بود ایران آن را مشروط کرد و در همان حال با به رسمیت شناختن مجموعه ای که دلواپسان نام گرفته بودند؛ موجبات خدشه وارد کردن برجام به مثابه یک عهدنامه ناروا برای منافع ملی فراهم شد. در مجلس اسبق نمایندگان مجلس فعلی آن را به صورت نمادین آتش زدند و مجلس آینده ای که امروز نمایندگان آن مشخص شده است بسیار رادیکال تر از مجلس دیروز است.

از همین روی احتمال برخورد تندتر با چنین مساله ای وجود دارد. پس آمریکا با برجام خارج شد و ایران را در چارچوب سناریوی جوجیتسو در برجام محدود کرد. به گونه ای که ایران در برابر شعار پاره کردن برجام توسط ترامپ در سال ۲۰۱۸ نتوانست برجام را کنار بگذارد و هنوز هم با وجود خروج پلکانی چندین بخش از برجام نتوانسته است آن را به صورت کامل نفی و برای برداشتن جسد مرده آن در سیاست خارجی اقدام کند. وی افزود: در چنین چارچوبی در سال ۲۰۱۸ ما شاهد خروج آمریکا از برجام در دوران ترامپ بودیم. کمترین تبدیل چالش ایران به تهدیدی برای نظم منطقه ای و نظام بین الملل آغاز شد و انگلیس ها هم بیش از گذشته با آمریکا هم داستان شدند که خروجی ها و پیامدهای آن در موضوع گیری های کنونی لندن نسبت به تهران مشخص شد. بعد از این دکترین از منظر طراحی مدل عملیاتی اسرائیل به میدان آمد و دکترین هزار ضربه جاقو مطرح شد. از ترور سردار سلیمانی تا آقایی فخری زاده و قبل از آن ترور دانشمندان هسته ای توسط عناصر اطلاعاتی اسرائیل زمینه هایی را فراهم کرد که با اتکا به دکترین قبلی که در آن ائتلاف عربی، عبری، غربی برای محاصره تهران انجام شد و اقتصاد ایران تحت تأثیر قرار گرفت.

## دعوت تهران به جنگ مستقیم

رئیس اندیشکده آینده اندیشی سیمرغ بیان کرد: ما شاهد آن بودیم که گستره و پهنای بیشتری از این تهدیدات عملیاتی شد و بعد از ترور سردار سلیمانی سفارت را به عنوان بهانه ای برای ورود به جنگ مستقیم هدف قرار می دهند. این تحلیلگر مسائل بین الملل بیان کرد: هدف قرار دادن کنسولگری ایران در سوریه که با ایران توافق نامه نظامی امنیت امضا کرده و ایران علناً از ماندگاری بشار اسد در دمشق حمایت کرده است یعنی دعوت مستقیم ایران به یک جنگ میدانی رو در رو بین تهران و تل آویو است. بنابراین تل آویو در حال به جاش کشیدن در یک جنگ میدانی اثرگذار برای تعیین تکلیف مسائل منطقه با محوریت تهران و تل آویو است. زمانی که در ساعات اولیه هفت اکتبر با من مصاحبه کردند عرض کردم که این جنگ یک ضد واقع است. به این معنا که اسرائیل از بخشی از آن حمله خیر داشته است و با توجه به هزینه هایی که قرار است متحمل شود جلوی عملیات در نگرته تا بتواند به اهداف استراتژیک خود در منطقه دست پیدا کند. بعد از جنگ اکران در هم من نوشتم و گفتم که مدل سناریوی مار بوآ در مورد تهران با مرکزیت اسرائیل پیاده سازی خواهد شد. در حال حاضر اسرائیل نه تنها غزه را ویران کرده بلکه بالغ بر ۳۴ هزار نفر از مردم غزه را شهید کرده است و همه زیرساخت های غزه را با خاک یکسان کرده است. همزمان حزب... سوریه و حوثی های یمن را نیز مورد حمله قرار می دهد و به آشکاری ایران را به یک جنگ میدانی فرامی خواند. مطهرنیا در مورد تبعات انتقام از اسرائیل عنوان کرد: من با مفهوم انتقام انس ندارم. ما چه بخواهیم انتقام بگیریم چه بخواهیم حمله کننده را از کرده خویش پشیمان کنیم باید از منظر الزامات ابزاری ایجاد این پشیمانی استبعادها و توانایی های موجود را داشته و انباشته ها را اندازه گیری نماییم. ایران در برابر اسرائیل از منظر کمی می تواند صحبت های فراوانی برای ارائه داشته باشد اما از نظر کیفی این میزان کمیت در برابر استلزامات ابزاری اسرائیل با نگرانی روبرو است. مضاف بر اینکه اسرائیل تنها نیست و حمایت آمریکا را در منطقه به همراه دارد. آمریکایی ها پیش از هر جنگ یا گروهی که نسبت در راستای استقرار نظام سرمایه داری یک قدرت بی نیایی را در مهم ترین نقطه ژئو استراتژیک جهان تشکیل دادند و از آن حمایت می کنند.

پارک قیطریه که اثری میراثی و در عین حال سبز برای شمال تهران محسوب می شود وقف یک شهروند برای فضای سبز بوده است و از نظر حقوقی امکان تصرف برای ساخت فضای مسجد برای آن وجود ندارد. واقف فقط به دنبال ایجاد فضای سبز در این منطقه بوده است. اگر شهرداری هزینه ساخت این مسجد را به خانواده محتشمی پور و بازماندگان مرحوم نسبت داده اند بهتر است این مهم در جای دیگر که نیاز به مسجد وجود دارد صورت بگیرد